



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۸/۱۰/۰۷

ملک الشعراء محمد نسیم اسیر

## شهر چور! طنز!

نا بلدی هم بد چیز است، منظوم این شرو شور و جم و جوش انتخابات ولسی جرگه در وطن است. در دنیای پیشرفته، همین اروپا و امریکا، کاندید های احزاب در یک ایالت که به طور اعظم از ده نفر بیش نیستند، با مراعات نظم و نسق و نظافت شهر، فوتو و شعار خود را در جاهای مناسب نصب و در گوشه های پر ازدحام میزهای تبلیغاتی گذاشته و به علاقمندان و همشهریان، اگر لازم افتد، خط مشی و پلان کار خود را توضیح و همچنان اصل کاندید در یک روز معین در جمعیت بزرگ شهر حضور یافته و مرام سیاسی و اقتصادی خود را تبلیغ می کنند و در صورت لزوم با خبرنگاران مصاحبه و مذاکره به راه می اندازند، اما از آنجا که در ویرانکده افغانستان همه چیز چهره بدل می کند، بسیاری موضوعات بی نظمی بار می آورد، از جمله همین انتخابات ولسی جرگه که از هجوم رکلام ها و فوتوهای کاندیدان، جاده ها به یک جنگلزار مبدل شده است، اینکه کاندیدان با چه شیوه و زور آزمائی ها در افشانی می کنند باشد در جایش. درد دل طنزگونه ایست که از نظرتان می گذرد:



تو گویی کشور ما ملک چور است	که هر کارش ز نظم و نسق دور است
شده عمری که خلقی در مذلت	فتاده غرق، گویا در تنور است
نوای عیش، صوت انتحاری	صدای مهر، کشتار و ترور است
کنون در گیر و دار انتخابات	به راست و چپ عبور است و مرور است
به هر کنج و کنار و روی دیوار	پلاکات و شعار است و شعور است
ز رکلام و ز اعلانات بسیار	فضای شهر یکسر کج و کور است
به چشم آید که جنگلزار گشته	چونان خیل ملخ، یا موج مور است

ز دفع جنگ و رفع محنت و غم  
و لیکن ناگهان از انتحاری  
بنازم همت جمعیتی را  
«اسیر» این طنز را زان می نویسد  
اگر چه گفته های انتقادیش  
کنون در دفع نیرنگ و تقلب  
به مردم وعده دادن ها وفور است  
دو صد تا زخمی و اهل قبور است  
که صد غم می کشد، اما صبور است  
که می بیند وطن در فتنه گور است  
زمانی بی نمک، یک بار شور است  
تپیدن ها ضرور است و ضرور است

م. نسیم «اسیر» ۲ اکتوبر ۱۸م، فرانکفورت



Assir\_nacim\_share\_tshoor.pdf